



حریم خصوصی در اسلام و نسبت آن با امر به معروف و نهی از منکر

پدیدآورده (ها) : کریمی نیا، محمد مهدی

میان رشته ای :: پوششی در علوم انسانی :: بهار و تابستان 1394 - شماره 1
از 63 تا 82

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1113477>

دانلود شده توسط : مجتبی گهرگزی

تاریخ دانلود : 23/03/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



حریم خصوصی در اسلام و نسبت آن با امر به معروف و نهی از منکر

محمد مهدی کریمی نیا^۱

چکیده

حریم خصوصی، محدوده زندگی شخصی هر فرد است که مایل نیست دیگران بدون اجازه وی به آن دسترسی داشته باشند. مهم‌ترین قلمرو و محدوده حریم خصوصی عبارت است از: منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات، ارتباطات و مانند آن. «حریم اشخاص» یا «حریم خصوصی» و یا «حق خلوت» از مباحث مهم و جدید حقوق محسوب می‌شود و تقریباً در ادبیات حقوقی و یا در قوانین بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. در تعارض بین رعایت «حریم خصوصی» با «منافع عمومی»، رعایت حریم خصوصی با استثنای مواجه است. محدودیت‌ها و استثنای این اصل، توسط شارع و قانون‌گذار معین می‌شود. بین اصل رعایت حریم خصوصی افراد و امر به معروف و نهی از منکر تعارضی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، حق خلوت، حریم عمومی، قلمرو حقوقی امر به معروف، امر به معروف و نهی از منکر.

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

مقدمه

حریم خصوصی از مباحث مهم و جدید حقوق به‌شمار می‌آید. امروزه با تحول و توسعه روابط انسانی و پیشرفت‌های فناوری، حریم خصوصی بیش از پیش در معرض آسیب‌ها و مخاطرات قرار گرفته است. حریم خصوصی که گاه از آن به «حق خلوت» یاد می‌شود، یکی از حقوق اساسی بشر است، که وی را در مقابل تعرض‌های دیگران به زندگی خصوصی‌اش و نیز مداخلات ناروای دولت‌ها مورد حمایت قرار می‌دهد. این حق که ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ کرامت، حیثیت، شخصیت، توسعه ارتباطات شخصی، خودمختاری و استقلال فردی، توسعه الفت و صمیمیت بین افراد و دیگر ارزش‌های مهم بشری دارد، امروزه جایگاه ویژه‌ای در مباحثات حقوقی و سیاسی دنیا دارد؛ به‌طوری‌که در عصر کنونی همواره به‌منزله یکی از نمودهای دموکراسی و حقوق بشر مطرح است.

در این میان، «امر به معروف و نهی از منکر» یا «حق نظارت عمومی»، یکی از مهم‌ترین واجبات اسلامی است که شریعت اسلام برای آن اهمیت ویژه‌ای

قائل است. مهم‌ترین پرسش این است که آیا اجرای این دستور الهی، به معنای نادیده گرفتن حق حریم خصوصی افراد نیست؟ آیا اگر فردی، دیگری را به کار نیکی تشویق کند یا از عمل ممنوعی بازدارد، در حریم خصوصی وی دخالت نکرده است؟ به‌طور کلی، چه نسبتی بین «امر به معروف و نهی از منکر» با «حریم خصوصی» وجود دارد؟ برای تبیین این رابطه یا نسبت، لازم است در ابتدا، تعریف حریم خصوصی، اهمیت و ضرورت حریم خصوصی و نیز مبانی و دیدگاه اسلام و غرب در این باره بیان شود.

تعریف حریم خصوصی

حریم خصوصی از حرمت به‌معنای منع است. فرهنگ عمید در تعریف آن می‌گوید: آنچه حرام شده، و مس آن جایز نباشد، پیرامون و گرداگرد خانه و عمارت، مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد (عمید، ۱۳۶۲، ج ۱، واژه حریم). «خصوصی» نیز به معنای اختصاصی، شخصی، ویژه و خاص است (همان، واژه خصوصی).

از آنجاکه «حریم خصوصی» اصطلاحی جدید است، تعریف لغوی آن در کتب لغت نیامده است. به‌هر حال،



اول آنکه قلمرو این حق ناظر به مسائلی است که صرفاً در حیطه موضوعات شخصی افراد بوده و ذی حق به هیچ وجه تمایلی به افشای آن نداشته باشد. بنابراین، با غیر شخصی شدن این موضوعات و وجود ارتباط بین آنها و جامعه، دیگر نمی توان از آن به مثابه یک حق اختصاصی یاد کرد؛ دوم آنکه، افشا شدن بخشی از اطلاعات خصوصی افراد و نقض حریم شخصی آنها نمی تواند دلیلی برای افشای بقیه اطلاعات و یا توزیع و انتشار مجدد بخش فاش نشده باشد. بنابراین، می توان حق حریم خصوصی را به منزله قلمرو اطلاعات کاملاً شخصی تعریف کرد که به طور عام ارتباطی با جامعه ندارد.

در مجموع، می توان حریم خصوصی را بدین صورت تعریف کرد: قلمروی از زندگی فرد که آن فرد، نوعاً یا عرفاً و یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشود یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند و یا به هر صورت دیگر، وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند؛ منازل و اماکن خصوصی، جسم

معنای لغوی آن تا اندازه ای روشن است. آنچه مهم است اینکه، از نظر حقوقی یا سیاسی، «حریم خصوصی» به چه معناست و شامل چه مصادیقی می شود؟ به رغم اینکه حریم خصوصی به منزله یکی از ملموس ترین، عینی ترین و پرکاربردترین حقوق برای هر فرد شناخته شده است، ولی هنوز صاحب نظران برجسته دنیا نتوانسته تعریف واحدی از آن ارائه دهند.

از میان همه تعریف های ارائه شده، به نظر می رسد تعریف کمیته ای به نام «کالکات» (culcutt committee) در انگلستان، بیشتر توانسته است ابعاد مختلف این مفهوم را پوشش دهد. این کمیته در این زمینه معتقد بود به رغم اینکه هنوز تعریف خوب و قانع کننده ای از حریم خصوصی پیدا نکرده است، این تعریف را به منزله تعریف قانونی می پذیرد: «حق افراد برای حمایت شدن در مقابل وارد شدن بدون اجازه به امور و زندگی افراد و خانواده هایشان، با ابزار مستقیم فیزیکی یا به وسیله نشر اطلاعات».

به نظر می رسد که در تعریف این حق باید چندین مؤلفه را مورد نظر قرار داد:

افرد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هستند.

مبانی حریم خصوصی در حقوق اسلام و حقوق غرب

درباره اهمیت حریم خصوصی و لزوم صیانت از آن بین مکاتب و اندیشمندان هیچ اختلافی نیست؛ اختلاف آنها در مبانی، میزان و



محدوده حریم خصوصی افراد است. از این رو، این مسئله را از سه منظر بررسی می‌کنیم:
الف. مبانی حریم خصوصی در حقوق غرب؛
ب. مبانی حریم خصوصی در حقوق اسلام؛
ج. تفاوت دیدگاه اسلام با غرب در بحث حریم خصوصی.

پیش از ورود به بحث، یادآوری دو نکته ضروری است:

نخست آنکه، تقسیم مبانی حریم خصوصی به دو قسمت مبانی حریم خصوصی در «حقوق غرب» و «حقوق اسلام»، کاملاً دقیق نیست؛ زیرا چه بسا

برخی مبانی بین حقوق اسلام و غرب مشترک باشد؛ مانند: لزوم امنیت شهروندان، لزوم تأمین آزادی شهروندان و...

دوم اینکه، آنچه به منزله مبانی حریم خصوصی انسان‌ها بیان می‌شود، ریشه در نظریه‌های کلاسیک فیلسوفان و حقوقدانان دارد و با توجه به کلیات مباحثی که به عنوان مبانی حقوق انسان‌ها در فلسفه حقوق مطرح کرده‌اند، می‌توان مبانی حریم خصوصی را اصطیاد کرد.

مبانی حریم خصوصی در حقوق غرب

۱. نظریه حقوق فطری

مرسوم است که اصطلاح «حقوق فطری» را در برابر «حقوق وضع‌شده» به کار می‌برند. حقوق موضوعه مجموعه قواعدی است که در زمان معین بر ملتی حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف سازمان‌های اجتماعی تضمین می‌شود؛ ولی حقوق فطری به قواعدی گفته می‌شود که برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است و قانون‌گذار باید کوشش کند آنها را بیابد و راهنمای خود قرار دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۴).

دانشمندان درباره مفهوم و گستره حقوق فطری اختلاف نظر دارند؛ ولی



بر خوردارند. این حقوق که همزاد انسانند، حقوق فطری نامیده می‌شوند.

ب. انسان‌ها بالذات آزاد و رها آفریده شده‌اند و این آزادی و رهایی اولیه یک اصل است، هرچند استثناهایی دارد؛ ولی در مقام تردید، باید اصل را بر برخورداری انسان‌ها از این حق ذاتی و فطری دانست؛ مگر آنکه خلاف آن با ادله یقینی اثبات شود.

ج. حق خلوت یا حریم خصوصی به معنای جلوگیری از وقوف سایرین بر حوزه شخصی و خصوصی زندگی (از جمله اطلاعات مربوط به چنین حوزه‌ای)، از مصادیق بهره‌مندی از حق اولیه افراد در آزادی و رهایی است و وقوف سایرین بر اطلاعات مربوط به حوزه شخصی زندگی، مخل حق حریم خصوصی اشخاص است.

د. حق اولیه و ذاتی انسان‌ها در محترم بودن و مصون از تعرض بودن تمامیت شخصیتی ایشان، در زمره حقوق ذاتی و طبیعی اعطا شده به بشر است که مقتضی منع هرگونه عملی است که به تمامیت شخصیتی دیگری تعدی کرده یا تصرف در این حوزه را در اختیار دیگران قرار دهد.

برخی از مصادیق حقوق فطری مورد اتفاق نظر است یا لااقل اختلاف نظر کمتری درباره آن مشاهده می‌شود؛ مانند: حق حیات، حق آزادی بیان، حق دادخواهی و تظلم و حق بهره‌مندی از زندگی شخصی و خصوصی (حریم خصوصی).

جوهر و روح حریم خصوصی را می‌توان در حقوق فطری یافت. به عبارت دیگر، انسان از آنجاکه اولاً و بالذات آزاد و رها آفریده شده است، همین آزادی و رهایی اولیه، اقتضای آن را دارد که:

اولاً بتواند از وقوف و آگاهی سایرین بر حوزه خصوصی زندگی خود جلوگیری کند و اجازه ندهد که دیگران داده‌ها و اطلاعات این حوزه از زندگی او را مورد مکاشفه و تفتیش قرار دهند.

ثانیاً در صورت تمایل بتواند از مداخله و دخل و تصرف دیگران در زندگی خصوصی و شخصی خود ممانعت به عمل آورد (اصلانی، ۱۳۸۴، ص ۳۳).

توضیح بیشتر آنکه، از منظر نظریه حقوق فطری می‌توان چنین استدلال کرد: الف. پاره‌ای از حقوق وجود دارند که برتر از اراده و خواست دولت‌ها وجود داشته و انسان‌ها صرف‌نظر از رنگ، نژاد، عقیده، ملیت و جنسیت، از آنها

ه. حق برخورداری از حریم خصوصی
حق فطری و ذاتی است که سلب آن
ممنوع می باشد؛ مگر در موارد خاص و
مصرح قانونی، که البته نیازمند توجیه و
تعلیلی قوی تر از نظریه حقوق فطری بوده
یا با حقوق فطری سایر اشخاص تزاخم
داشته باشد (همان، ص ۸۴-۸۳).

به نظر می رسد در صورت پذیرش
مبانی نظری تئوری حقوق فطری، بتوان
از این نظریه برای توجیه همه صور و
شقوق چهارگانه حریم خصوصی -
حریم خصوصی در منازل و اماکن،
حریم خصوصی اطلاعاتی، حریم
خصوصی ارتباطاتی و حریم خصوصی
جسمانی - سود جست.

۲. نظریه قرارداد اجتماعی

نظریه قرارداد اجتماعی بر این فرضیه
شکل گرفته است که پیش از تکوین
دولت، انسان در «وضع طبیعی» زندگی
می کرد. «وضع طبیعی» را عده ای حالتی
پیش از اجتماعی شدن، و برخی دیگر
پیش از سیاسی شدن می دانند؛ ولی هرچه
بوده باشد، وضعی پیش از پیدایش نهاد
حکومت است؛ وضعی که جامعه سازمان
یافته نبود و در آن هیچ قدرت سیاسی
وجود نداشت تا قوانین و مقرراتی را

وضع، و اجرا کند. تنها به اصطلاح «قانون
طبیعی» تنظیم کننده طرز رفتار و عمل
بشر بود. هر انسان زندگی خاص خود را
داشت و تنها از آن قواعد رفتاری اطاعت
و پیروی می کرد که می اندیشید برای
پیروی کردن مناسب است (عالم، ۱۳۹۰، ص
۱۸۰).

بنابر نظریه قرارداد اجتماعی، دولت
محصول کوشش سنجیده انسان است و
اقتدار خود را از رضایت مردمی می گیرد
که در زمان های دور تاریخی از راه قراری
اجتماعی خود را به صورت هیئتی
سیاسی سازمان دادند. درباره شرایط این
قرار، هر یک از متفکران نظر متفاوتی
دارند. به گمان برخی از آنان، این قرار
تنها ایجادگر نهاد جامعه مدنی بود؛
در حالیکه برخی دیگر به منزله یک قرار
حکومتی که میان فرمانروایان و
فرمانبرداران گذاشته شد، بدان نگاه
می کنند. عده ای بر این باورند که
طرف های این قرار اجتماعی فقط افرادی
بودند که در وضع طبیعی زندگی
می کردند و فرمانروا طرف آن نبوده است.
برخی نیز معتقدند که طرف های آن از
یک سو مردم، و از سوی دیگر فرمانروا
بودند (همان، ص ۱۸۱).



دولتی وجود دارد و هیچ چاره‌ای از قدرت و سلطه آن نیست، باید به دور موجودیت و شخصیت فرد حصار کشید تا قدرت زیاده خواه و سلطه جوی حاکم نتواند به این حریم تجاوز کند؛ یعنی با شناسایی حق حریم خصوصی، باید فردیت و استقلال شخصیتی انسان را در برابر حکومت در امان نگه داشت.



مبانی حریم خصوصی در حقوق اسلام

۱. آزادی

آزادی یکی از آرمان‌های بشری به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که غالباً یکی از اهداف نهضت‌های اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی بوده است؛ اما آزادی پیش از آنکه یک پدیده اجتماعی و سیاسی و قراردادی بین ملت و دولت باشد،

به بیان دیگر، بشر مدنی بالطبع است و جز در پرتو جمعیت، بقا و نیل به کمالات برای انسان متعسر و حتی متعذر می‌باشد و حتی حیات او با خطر نابودی و فنا روبه‌رو است. از طرف دیگر، این ویژگی فطری و یا لااقل غریزی با صفت ذاتی دیگری که در او وجود دارد، یعنی میل به رهایی از قیود و محدودیت‌ها و میل زیاده‌خواهی وی، در تعارض و تراحم می‌باشد؛ زیرا کمال مطلوب هر فرد برخورداری و بهره‌مندی هر چه بیشتر است، ولی این میل به رهایی و برخورداری هر چه بیشتر، با صفت اجتماعی بودن و نیاز انسان به زیست جمعی در تعارض است. بشر در مقام جمع بین این دو میل و خواسته، به ناچار با انعقاد یک قرارداد و توافق نامه فرضی، از بخشی از آزادی و رهایی خود صرف نظر می‌کند تا قدرتی فرافردی (حکومت) در اجتماع ایجاد شود؛ قدرتی که ضمن حل و فصل مشکلات ناشی از تعارض‌های مذکور، زمینه بقا و کمال او را فراهم آورد. اندیشمندان چنین قرارداد اعتباری و فرضی را «قرارداد اجتماعی» نامیده‌اند.

۳. حریم خصوصی به عنوان مانعی در مقابل زیاده خواهی دولت‌ها
از آنجاکه در هر جامعه‌ای حکومت و

پدیده‌ای فطری و انسانی است. به عبارت دیگر، آزادی حقی است که خداوند به هر انسانی داده است و نمی‌توان این حق را سلب کرد یا در قراردادهای اجتماعی آن را نادیده انگاشت.

آزادی در لغت به معنای عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی، رهایی و بی‌قید و بند است (دهخدا، ۱۳۷۳، واژه آزادی). در نگرش سیاسی اسلام، برای تعریف آزادی از واژه «حریه» استفاده می‌شود که نقطه مقابل عبودیت (غیر خدا) قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶).

در اصطلاح نیز تعابیر مختلفی از آزادی ارائه شده است؛ آزادی در یک تعریف ساده عبارت است از اینکه شخص اختیار انجام دادن هر کاری را داشته باشد؛ مشروط بر اینکه به دیگری ضرر نرسد. این شرط، آزادی هر کس را در مقابل دیگری محدود می‌سازد (مدنی، ۱۳۸۰، ص ۷۶).

مکتب انسان‌ساز اسلام انسان را موجودی شریف و نمونه می‌داند که خداوند ویژگی‌هایی به او بخشیده است که سایر موجودات از آن محروم‌اند. یکی از این امتیازها، آزادی اراده توأم با مسئولیت است که به موجب آن می‌تواند

سرنوشت خویش را رقم زند و نتیجه کار خوب و بد خویش را ببیند: «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (جاثیه: ۱۵)؛ هر که به شایستگی عمل کند، به سود خود و هر که بدی کند، به ضرر خویش عمل کرده است. آن گاه به پیشگاه پروردگارتان باز گردانده می‌شوید.

آفریدگار جهان با همه سلطه و سیطره‌ای که بر همه موجودات دارد، انسان را در حدود اختیاراتی که به او بخشیده است، ملزم به انجام کارها نساخته، بلکه به وسیله امر و نهی او را به راه راست هدایت کرده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ أَمَّا شَاكِرًا وَامَّا كَفُورًا» (انسان: ۳)؛ ما راه را به او ارائه دادیم، خواه سپا سگزار باشد، خواه ناسپاس.

یکی از برنامه‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ اعمال اصل حریت و آزادگی است و به حکایت قرآن، محدودیت‌های پیشین و غل و زنجیر اسارت بار را با دعوت الهی از مردم برداشته و به آنان درس آزادگی آموخته است: «يَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمُ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷)؛ و از قیدوبندهایی که داشتند، آزادشان می‌سازد. افزون براین، امیر



۲. امنیت

امنیت انتظار نخست انسان ها از حکومت ها ست، که امروزه ابعاد گسترده و متنوعی یافته است. تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت، جمعیت و تأثیرگذاری آن بر همه شاخصه های توسعه و حیات انسانی، به آن نقش بنیادین داده، و همه فیلسوفان سیاسی را به تأمل در آن واداشته است (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۷۰).

در مجموع، برای تحقق امنیت، وجود عوامل زیر ضروری است:

الف. اجرا و تعمیم عدالت و قانون به طور یکسان و نفی هرگونه تبعیض در جامعه؛

ب. مبارزه مداوم با عوامل تجاوزگر و زمینه های تعرض احتمالی و نیروهای فشار و وحشت و مهار کردن عواملی که زمینه تعرض دارند، و پیشگیری های لازم برای خشکاندن ریشه تعدی و تعرض؛

ج. آشنایی مردم با حقوق افراد و آگاهی لازم به منظور احترام به حقوق دیگران؛

د. ضمانت اجرای نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق)؛

مؤمنان علی علیه السلام نیز در یک عبارت شیرین و جامع فرموده است: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

بنابراین، آنچه از آموزه های نجات بخش اسلام و اولیای گرامی اسلام درباره آزادی و حریت انسان فهمیده می شود، این است که آزادی یعنی نفی اطاعت غیر خدا و بندگی و خضوع در برابر خالق هستی و نظام آفرینش. به تعبیر دیگر، آزادی یعنی رفع و نبودن همه عواملی که مانع تکامل و تعالی انسان و تجلی استعدادها و شخصیت انسان او می باشد. آزادی به مفهوم اسلامی، نخست از درون آغاز می شود و تا انسان از قید و بند اسارت های درونی آزاد نشود، از اسارت طاغوت ها و عوامل برونی رها نخواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸).

بنابراین، می توان از قانون گذار انتظار داشت که با وضع قواعد رفتاری مشخص، ضمن تبیین جایگاه آزادی و حق اولیه شهروندان، در برخورداری از حریم خصوصی، استثنای این حق را مشخص، و با پیش بینی ضمانت اجرای کیفری و مدنی، راه را بر دشمنان حریم خصوصی سد کند.

ه. ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزین به حقوق مردم (همان، ج ۱، ص ۵۷۱).

منظور از امنیت این است که فرد از هر گونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیرقانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت او است، مثل اسارت، تملک و بهره‌کشی، بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادی‌هاست که با فقدان آن، سایر آزادی‌های فردی، معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۵، ص ۶۳).

استخلاف صالحان و طرح امامت شمرده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که باری آنان پسندیده، پا برجا و ریشه‌دار خواهد ساخت، و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ (آن‌چنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت، و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

افزون بر این، انسان نیازمند امنیت روانی و روحی نیز می‌باشد. با توجه به گسترش روزافزون کاربرد فناوری‌های نوین در زندگی روزمره شهروندان و توسعه جامعه مجازی، روشن است که اشخاص برای ادامه فعالیت‌های روزمره در چنین فضایی، با دغدغه‌ها و نگرانی‌های جدی نسبت به حریم



در اسلام نیز مقوله امنیت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و



و استعدادها شایستگی حصول به این مقام بزرگ را دارند، و این موهبت الهی و نعمت بزرگ، به صورت یک سان برای همه ابنای بشر در نظر گرفته شده است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸):

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (ا سراء: ۷۰)؛ و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] بر نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها تا وقتی با اختیار خود با ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران، آن کرامت را از خود سلب نکنند، این صفت شریف را دارا خواهند بود.

۲. کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت

خصوصی اطلاعاتی خود دست و پنجه نرم خواهند کرد و چه‌بسا این نگرانی‌ها به فعالیت‌های روزمره ایشان تأثیر گذاشته و باعث رکود آن شود.

۳. کرامت

قرآن کریم، انسان را موجودی با کرامت معرفی می‌کند که در سایه انسانیت می‌تواند شایسته این کرامت الهی باشد. این کرامت همان جانشینی خداوند در زمین است. همه نژادها، رنگ‌ها، زبان‌ها



این حقوق و آزادی‌ها را مشخص و معین کرده‌اند.

تفاوت حریم خصوصی در حقوق اسلام و غرب

حریم خصوصی زیرمجموعه «حقوق اساسی» یا «حقوق بشر» است. از این رو، برای بیان تفاوت دیدگاه حقوق اسلام و حقوق غرب درباره حریم خصوصی، باید در ابتدا تفاوت این دو دیدگاه را درباره حقوق بشر ارزیابی کنیم.

از منظر حقوق غرب، «حریم خصوصی» به معنای خاص و «حقوق بشر» به معنای عام، بر اساس اندیشه سکولاریسم یا «جدایی دین از سیاست» شکل گرفته است و تنها خواست یا اراده مردم یا دولت تعیین کننده قواعد حقوقی است؛ ولی در نگرش توحیدی اسلام، مبنای

در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی به همین کرامت مربوط می‌شود (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹).

حریم خصوصی یا حق خلوت، ارتباطی تنگاتنگ با کرامت و شأن انسانی دارد. آزادی، استقلال، تعیین سرنوشت و نیز تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان در سایه حریم خصوصی و فضایی مناسب برای رشد و تکامل شخصی افراد میسر است. ممنوعیت افشای اطلاعات محرمانه، استراق سمع، بازرسی، زیر کنترل و نفوذ دیگران بودن و نیز مصونیت مسکن به خاطر احترام به آزادی فردی و تکریم شأن انسانی است.

احترام به شخصیت و کرامت انسانی و حیثیت او و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و همگانی، هدف اصلی بیشتر قوانین و یکی از جنبه‌های تشکیل جوامع بوده و هست و به همین دلیل در همه قوانین اساسی، مهم‌ترین بخش قانون را که غالباً جزو اولین اصول است، به حقوق و آزادی‌های فردی اختصاص داده‌اند و قوانین عادی نیز ضمانت اجرای





بنابراین، انسان به معنای واقعی، کسی است که حیات و فکر و عمل خود را بر پایه اخلاص در راه به‌دست آوردن رضایت حق تعالی، استوار سازد و رنگ خدایی بدان بخشد. بر این اساس، منبع کرامت انسانی، توجه خالصانه وی به سوی خدا و تقوای بی‌شائبه در مقابل حق تعالی است که آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» بدان اشاره دارد.

ولی دیدگاه «انسان‌محوری» که امروزه در جهان‌بینی غرب مطرح است، کانون اصلی را انسان می‌داند. اعتقاد به معیار بودن انسان در همه چیز، اصلی است که ابتدا در فلسفه یونان باستان، به شکل اساطیری وجود داشت و سپس همه مکاتب فلسفی مغرب زمین را فرا گرفت. در این نگرش، خدا در خدمت انسان و برآوردن نیازهای او درآمده است.

قرار دادن این دو دیدگاه در دو قطب متقابل و مترتب نمودن آثار مثبت و منفی بر آنها، اکنون رواج کامل یافته است؛ ولی آیا واقعیت چنین است و این دو دیدگاه در برابر هم قرار گرفته‌اند؟

به نظر می‌رسد متقابل قرار دادن این دو دیدگاه ناشی از باور نداشتن به ادیان است یا اینکه لااقل این گروه در آن نقش

مشروعیت قوانین و مقررات حقوقی، اراده تشریعی خدای متعال است. به مقتضای توحید در ربوبیت تکوینی و تشریعی خداوند، انسان مکلف است فقط از دستورها و قوانین او اطاعت کند (توحید در عبودیت)، و اطاعت هر قانونی جز قانون الهی، شرک تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، ملاک حقانیت و اعتبار قواعد حقوقی، انطباق آنها با اراده الهی است. روشن است که تشریع حکم به وسیله خداوند بر اساس واقعیات جهان هستی، و مبتنی بر مصالح و مفاسد نفس‌الامری در جهت رسیدن انسان به کمال نهایی است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۹).

نکته مهم دیگر اینکه، حقوق بشر اسلامی هم خدامحور و هم انسان‌محور است؛ زیرا اسلام در عین توجه به خداوند، از مقام والای انسان و جایگاه او در نظام خلقت غافل نشده است؛ حتی می‌توان گفت توجه انسان معاصر به حقوق اساسی خود، از آثار آموزه‌های انبیا و ادیان الهی است (معرفت، ش ۳۰-۳۱).

از دیدگاه «خدامحوری» که شرایع آسمانی بر آن تأکید دارند، خدا در کانون جهان‌بینی قرار گرفته، و هدف از آفرینش، شناخت خدا و حرکت به سوی اوست؛

داشته‌اند، و گرنه چه در اندیشه یونان باستان و فرض خدایان متعدد و متنوع که در تدبیر این جهان نقش دارند، و چه در اندیشه جوامع توحیدی که انسان سرآمد آفرینش است، طرحی وجود ندارد که این دو را در دو قطب متقابل قرار دهد؛ بلکه با تأمل در هر یک از آن دو، امکان جمع، با کمی تعدیل، میسر به نظر می‌رسد؛ زیرا خدایان متعدد و متنوع یونان که هر یک (رب النوع) مسئولیت تدبیر جانبی از جوانب جهان هستی را بر عهده دارد، همان صورت منحرف «فالمدبرات امرأ» (نازعات: ۵) می‌باشند، که همگی فرمان بردار خدای جهان‌اند: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶)؛ هرگز از قوانین او سر باز نمی‌زنند.

اثر و نتیجه خدامحوری در شرایع آسمانی، به‌ویژه در اسلام این است که حقوق بشر استنباط شده از مبانی شریعت و در چارچوب اراده و فرمان الهی است و ناگزیر نمی‌تواند مطلق باشد و از همه اعتبارات و حیثیات صرف نظر کند (همان). خداوند در قرآن کریم فوق‌العاده به انسان بها داده است؛ تا آنجا که او را «خلیفه» خود معرفی کرده است: «وَإِذَا

قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ به خاطر بیایور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین نماینده‌ای قرار خواهم داد. آیا این خود نمی‌رساند که انسان محور اصلی آفرینش و راز هستی است؟

اگر حیطه خصوصی را اعمالی بدانیم که ضرر آن به‌طور مستقیم متوجه خود شخص می‌شود، بسیاری از اعمال همچون شرب خمر، روابط نامشروع جنسی، استعمال مواد مخدر، دیدن فیلم‌ها و عکس‌های مستهجن، رضایت به مرگ در قتل از روی ترحم، قمار بازی و غیره در محدوده آن قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که این‌گونه اعمال در اسلام مجازات دارد. نتیجه اینکه، در اسلام نمی‌توان به‌طور دقیقه حیطه‌ای را تعیین کرد که حکومت اسلامی به‌طور مطلق از قانون‌گذاری در آن نهی شده باشد یا لاقبل نمی‌توان ادعا کرد مصادیق شناخته شده حیطه خصوصی در ادبیات حقوقی غرب، در اسلام نیز حیطه خصوصی تلقی می‌شود (قیاسی، ش ۱، ۱۳۸۸).

اما از سویی دیگر، بر اساس فقه اسلامی، همه رفتارهای شهروندان و زندگی خصوصی آنان نیز در معرض دخالت حکومت اسلامی نخواهد بود؛



بنیانی‌ترین و سازنده‌ترین قوانین اسلامی، یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» مورد توجه مسئولان قرار گرفت. با اینکه این یک قانون الهی است و تصویب و عدم تصویب افراد بشر در آن اثری ندارد، اما تصویب شدن این قانون در مجلس خبرگان، از رشد فکری افراد جامعه و بیداری آنان و دلسوزی و آگاهی خبرگان حکایت می‌کند که امید است با عمل کردن به همه قوانین اسلام، سعادت جامعه تضمین شود و امت ما الگوی واقعی انسان اسلامی در جهان باشد.

امر به معروف و نهی از منکر ضرورت همگانی

وظیفه ما نسبت به بازداشتن دیگران از کار زشت یا منکر چیست؟ بسیاری از فرهنگ‌ها جوابی برای این پرسش ندارند



یعنی نحوه برخورد حکومت اسلامی با آنچه که در غرب، حیطه خصوصی نامیده می‌شود، برخوردی ویژه است. البته باید یادآور شد که رعایت حیطه خصوصی شهروندان منحصر بدان نیست که حکومت هیچ‌گونه قانونی در مورد آن وضع نکند؛ بلکه راه‌های دیگری نیز قابل تصور است. «عدم وضع قانون»، حد اعلای آزادی شهروندان و رعایت کامل حیطه خصوصی است؛ ولی طرق دیگر رعایت حیطه خصوصی، اتخاذ روش‌هایی است که در عین جرم‌انگاری عمل، نتیجه نهایی، عدم تعقیب جرم مذکور یا عدم مجازات آن است و درواقع، شخص به گونه‌ای دیگر در مقابل اقتدار حکومت، احساس امنیت خواهد کرد.

به نظر می‌رسد بر اساس آموزه‌های اسلام، مصونیت حیطه خصوصی، از دخالت حکومت، از راه‌های مختلفی امکان‌پذیر است که پرداختن بدان‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

امر به معروف و نهی از منکر

در جمهوری اسلامی ایران امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی است. با پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از

و یا پاسخی ساده برای آن دارند. شگفت‌انگیزترین فرهنگ‌ها اسلام است که در آن «امر به معروف و نهی از منکر» وظیفه‌ای دینی است و ریشه در قرآن و حدیث و سنت صالحان دارد.

مایکل کوک، استاد تحقیقات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون آمریکا و اسلام‌شناس متفکر در یکی از روزهای ماه سپتامبر ۱۹۸۸ در روزنامه‌ای می‌خواند که در ایستگاه قطار شهری شیکاگو، در حضور جمعی از مردم، زنی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد. زن از حاضران در صحنه کمک می‌خواهد، ولی فریادهای او بی‌پاسخ می‌ماند. متجاوز به سادگی از صحنه می‌گریزد. پس از رسیدن قطار، همه با بی‌تفاوتی بر آن سوار می‌شوند و به راه خود ادامه می‌دهند. از میان ناظران در صحنه، تنها یک نفر برای دستگیری متجاوز فراری، با پلیس همکاری می‌کند.

نویسنده کتاب پس از خواندن این خبر با خود می‌اندیشد: «ما به نوعی وظیفه داریم دیگران را از ارتکاب کارهای ناپسند نسبت به هموعان خود باز داریم»؛ اما به این نتیجه می‌رسد که در زندگی دنیای غرب نامی برای این وظیفه وجود ندارد و این فرهنگ به

تدوین کلی مواردی که باید آن را به کار برد و شرایطی که می‌توان این وظیفه را ترک کرد، نپرداخته است. نویسنده که محقق اندیشمند است، اعتراف می‌کند که خود چیزی در این مورد نمی‌داند، تا اینکه در جریان پژوهش‌های اسلامی خود، دریافته است که اسلام تعالیمی ویژه برای چنین وظیفه‌ای دارد که نام آن «امر به معروف و نهی از منکر» است.

او با مراجعه به حدود دو هزار عنوان کتاب و نسخه خطی، که بیشتر آنها به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی است و صرف نزدیک به چهارده سال وقت به بررسی این وظیفه در دوران‌های مختلف و مذاهب و فرقه‌های متفاوت و سرزمین‌های گوناگون اسلامی می‌پردازد (نمایی، ۱۳۸۳).

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در منابع اسلامی

خداوند متعال خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امت برای مردم هستید که پدید آمده است، مادامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان می‌آورید.



شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را این دانسته‌اند که شخص منحرف و گناهکار، به انحراف و گناه خویش اصرار داشته باشد و آن را تکرار کند و چنانچه معلوم شود که از اعمال انحرافی خویش توبه کرده و دیگر در صدد اصرار و تکرار نیست، این وظیفه از عهده افراد ساقط خواهد شد. در این حالت، بین حریم خصوصی و آن دو فریضه الهی تعارضی پیش نمی‌آید تا در صدد بیان و توضیح آن باشیم.

ب. در نظام‌های دموکراسی غربی، اصل امر به معروف و نهی از منکر نه تنها مطلوب نیست، خلاف قانون است؛ یعنی اگر کسی مطابق این ضابطه شرعی عمل کند، می‌توان از او شکایت کرد. در

رسول خدا ﷺ فرمودند: «اذا امتی تواكلت الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فليأذنوا بوقاع من الله تعالى»؛ وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذاشتند، پس آماده واقعه‌ای از جانب خدا باشند. همچنین از آن حضرت نقل شده است که اگر معصیت مخفیانه انجام گیرد، فقط به عاملش ضرر می‌زند؛ ولی اگر آشکارا صورت گیرد و کسی هم برای دفع و تغییر آن برنخیزد، ضررش متوجه کل جامعه می‌شود. اهمیت این مسئله در آموزه‌های اسلامی به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته است که پرداختن بدان‌ها به پژوهش مستقلی نیاز دارد.

نسبت امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی

پس از بیان اهمیت حریم خصوصی و جایگاه ویژه دو فریضه الهی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، این پرسش مطرح است که از نظر قلمرو، چه نسبتی بین این دو مفهوم وجود دارد؟ آیا اجرای اوامر و نواهی الهی در جامعه با حریم خصوصی افراد تعارض دارد؟ در این باره به چند نکته اشاره می‌شود:

الف. فقیهان و دانشمندان اسلامی با توجه به احادیث گوناگون، یکی از



صورتی که اگر در خیابان‌های حکومت اسلامی کسی تجاهر به فسق کند، می‌توان به او تذکر داد و جلوی او را گرفت و این کار نه تنها مذموم نیست، واجب است.

ج. می‌توان گفت رفتارها و اعتقادات افراد سه صورت دارد: در مواردی، این باورها و رفتارها کاملاً شخصی است و به هیچ وجه جنبه اجتماعی ندارد؛ مانند اینکه فرد در منزل شخصی، نوع خاصی غذا می‌خورد یا لباس می‌پوشد. در این صورت راهی برای ورود به این ساحت وجود ندارد و هرگونه ورود، مصداق تجسس و در نتیجه تحقق نهی الهی (لا تجسسوا) خواهد بود؛ زیرا تنها راه فهمیدن این نوع مسائل، تجسس و تحسس است. صورت دیگر، رفتار یا باوری است که می‌تواند اثر اجتماعی داشته باشد، ولی فرد تلاش می‌کند رفتار یا باورش اثر اجتماعی نداشته باشد؛ از این رو، مانع تسری آثار آن در جامعه می‌شود. این مورد هم مصداق حریم خصوصی و متعلق به فرد است و ورود دیگران به آن و افشای آن، مصداق اشاعه فحشا خواهد بود. اگر شبهه یا پرسشی ایجاد شود که چرا این بخش، متعلق به

حریم خصوصی شده است، پاسخ این خواهد بود که آیات قرآنی درباره عدم تجسس، عدم ورود به منزل و عدم تعدی به آبرو، عام است و تخصیص، دلیل می‌خواهد. صورت سوم، مواردی را شامل می‌شود که عمل، کاملاً جنبه عمومی پیدا می‌کند. این صورت جای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا این حوزه، متعلق به حریم عمومی است. عمومیت یافتن عمل یا به دلیل آثار و نتایج آن است و یا به دلیل ذات عمل و ماهیت آن؛ چنانچه می‌تواند به اعتبار موقعیت و ویژگی خاص آن باشد. در مفاهیمی چون خلاف شأن، موضوع این گونه است. این سخن، بدان معنا نیست که فرد می‌تواند در غیر امور عمومی، هر رفتاری را انجام دهد و مرتکب هر گناهی شود؛ بلکه بدان معناست که هر فرد وظیفه دارد در هر حال، دستورهای الهی را رعایت کند؛ ولی آن گاه که از حدود الهی تجاوز کرد و در واقع حریم الهی را شکست و در نتیجه آن، حریم عمومی از بین رفت، وظیفه آن است که با ابزارهای دفاعی و منطقی تعبیه شده در دین، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، با آن مقابله



تصویب «قانون حمایت از حریم خصوصی»، اطلاع‌رسانی و تبیین مصادیق و محدوده حریم خصوصی، از ضرورت‌های دیگر این پژوهش است؛ زیرا صرف تدوین قانون در این زمینه، بدون ارائه آگاهی‌های لازم به اقشار جامعه، اجرای درست قانون را با مشکل مواجه می‌سازد. در مرحله اول، مراکز علمی دانشگاهی و حوزوی، باید به تبیین این مسئله مهم اقبال نشان دهند و آنگاه دیگر اقشار جامعه، به‌ویژه ضابطان و مجریان قانون، باید به ابعاد مختلف حریم خصوصی واقف باشند.

د. حفظ حریم خصوصی افراد از مهم‌ترین نیازهای بشری است که دولت‌ها موظفانند با تصویب قوانین و حقوق مناسب در این زمینه، پاسخگوی این نیاز اجتماعی باشند؛ زیرا شهروندان در صورتی احساس امنیت و آرامش می‌کنند که زندگی شخصی خویش را از هرگونه تعرض و تجاوزی مصون بدانند. بنابراین، حفظ حریم خصوصی افراد به‌منظور حمایت از آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و آزادی‌های بیان و عقیده صورت می‌گیرد تا شهروندان با احساس امنیت بتوانند در جامعه به راحتی زندگی کنند و از ابراز عقیده و بیان خویش نهراسند. در این صورت، بی‌شک زمینه مشارکت و همکاری مردم با مسئولان بهتر

کرد. در این حالت، فرد نمی‌تواند ادعای حریم خصوصی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

الف. «حریم اشخاص» یا «حریم خصوصی» یا «حق خلوت»، از مباحث مهم و جدید حقوق به‌شمار می‌آید؛ به‌طوری که همواره به‌منزله یکی از نمودهای دموکراسی و حقوق بشر در عصر حاضر مطرح بوده و هست.

ب. در برخی قوانین جمهوری اسلامی ایران، مانند قانون اساسی، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، به‌صورت پراکنده ابعاد مختلفی از حریم خصوصی به رسمیت شناخته شده است؛ مانند اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۹، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ مواد ۵۸۰ و ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی در مورد ورود غیر قانونی مستخدمان و مأموران قضایی و غیرقضایی دولت به منزل اشخاص، و برای مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی، ضبط، باز کردن مراسلات، استراق سمع مخایرات و مکالمات تلفنی اشخاص مجازات تعیین کرده است. افزون بر این، فصل سوم قانون آیین دادرسی کیفری با عنوان «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و کشف آلات و ادوات جرم»، مقرراتی را در مورد حریم خصوصی منازل و اماکن و اشخاص پیش‌بینی کرده است.

ج. افزون بر ضرورت تدوین و

فراهم می‌شود و از بروز هرگونه هرج و مرج و ناامنی در جامعه جلوگیری می‌شود. ه. حکومت و دولت مجاز به مداخله و ایجاد محدودیت در جرایم خصوصی و خلوت شهروندان نیست؛ مگر اینکه این اقدام برای حفظ نظم اجتماعی ضرورت داشته باشد، و این ضرورت حقیقی و واقعی است، نه صوری و خیالی. و. در تعارض بین رعایت «حریم خصوصی» با «منافع عمومی»، رعایت حریم خصوصی با استثنا مواجه است. محدودیت‌ها و استثناهای این اصل به وسیله شارع و قانون‌گذار معین می‌شود.

منابع

- اصلانی، حمیدرضا، *حقوق فناوری اطلاعات*، تهران، میزان، ۱۳۸۴.
- جعفری، محمدتقی، *تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب*، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰.
- جواد آملی، عبدالله، *فلسفه حقوق بشر*، قم، اسراء، ۱۳۸۵.
- حسینی، سیدابراهیم و دیگران، *فلسفه حقوق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- عالم، عبدالرحمن، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- عمید زنجانی، عباس علی، *فقه سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- قیاسی، جلال‌الدین، «حق خلوت در سیاست کیفری اسلام»، *مجله پژوهش حقوق دانشگاه قم*، ش ۱۳۸۸۱.
- کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- کریمی‌نیا، محمدمهدی، *همزیستی سلامت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.
- مدنی، جلال‌الدین، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پایدار، ۱۳۸۰.
- معرفت، محمدهادی، «نگاهی به حقوق بشر در پرتو خدامحوری یا انسان‌محوری»، *پژوهش حوزه*، ش ۳۰-۳۱.
- نمایی، احمد، «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، *مجله حکومت اسلامی*، ش ۳۳، ۱۳۸۳.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.